

گزارش پنجاه و دومین نشست نسل ماندگار

دست بردن در شناسنامه، برای دفاع از وطن

دفاع مقدس، به روایت محمد حسن ستونه و حمید هزارجریبی



پنجاه و دومین نشست از سلسله نشست‌های «نسل ماندگار» شامگاه سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ با حضور جمعی از علاقه‌مندان، خانواده‌های ایثارگران و پیشکسوتان دفاع مقدس، در تالار اندیشه مؤسسه فرهنگی میرداماد گراگان برگزار شد. در این مراسم، حمید هزارجریبی و محمد حسن ستونه به روایت خاطرات خود از سال‌های حماسه و ایثار پرداختند.

در بخش نخست برنامه، مهندس حمید هزارجریبی با تلاوت آیه شریفه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا...» سخنان خود را آغاز کرد و از مسیر حضورش از آغاز آموزش‌های نظامی تا اعزام به جبهه با دستکاری شناسنامه و سپس حمایت پدر و پایان دوران حضور چندساله‌اش گفت. وی خاطراتی از فراز و نشیب‌ها، امیدها،

دلهره‌ها و لحظات ناب همدلی رزمندگان را با بیانی صمیمی برای حاضران بازگو کرد، که با استقبال و گاهی تأثر حاضرین این نشست همراه شد. در میانه این مراسم، مرشد روشنی با اجرای برنامه‌ای جذاب، با نواختن ضرب زورخانه‌ای و تلفیقی از موسیقی آوازی حماسی، با اشعار مذهبی و انقلابی، فضایی پرشور و حماسی به مراسم بخشید.

در قسمت دوم خاطره گویی؛ حاج محمدحسن ستونه، رزمنده پرتلاش دوران دفاع مقدس که از شهر بهشهر به میهمانی همزمانش در نشست نسل ماندگار و بیان خاطرات دعوت شده بود، با اشاره به نخستین حضور خود در سال ۱۳۶۰ و ۴۰ ماه حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، به ذکر خاطرات خود پرداخت. او که از جانبازان جنگ تحمیلی نیز هست، روایت خود را با نمایش عکس‌هایی از دوران دفاع مقدس آغاز کرد و در ادامه با لحن شیرین و صمیمی از همسرانش، اسارت گرفتن یک نظامی عراقی، وصیت‌نویسی در شرایط سخت در شب عملیات و لحظات تلخ و شیرین جبهه‌ها سخن گفت که فضای مراسم را سرشار از احساس و نوستالوژی کرد.

در پایان این نشست، به پاس سال‌ها مجاهدت و ایثار، دو تندیس ویژه «نسل ماندگار» به راویان این نشست اهدا شد و مراسم در فضایی معنوی و خاطره‌انگیز به پایان رسید.



گزارش پنجاه و سومین نشست نسل ماندگار

از چالکی، تا سیاه چال‌های تکریت

همراه با رونمایی از کتاب خاطرات دفاع مقدس ابوطالب ناهیدی



پنجاه و سومین نشست «نسل ماندگار»، عصر روز سه‌شنبه ۳۰ تیرماه ۱۴۰۵ با حضور یادگاران دفاع مقدس و سایر علاقه‌مندان، در سالن اندیشه مؤسسه فرهنگی میرداماد گرگان برگزار شد.

در ابتدای این نشست، یحیی کول‌صادقی از رزمندگان و آزادگان دفاع مقدس، از انگیزه‌ی رفتن به جبهه گفت و افزود: من اگرچه در دانشگاه شهید چمران اهواز قبول شده بودم، ولی ترجیح دادم به جبهه بروم، که در عملیات کربلای ۵ به اسارت درآمدم. وی در مورد چگونگی به اسارت درآمدن خود، گفت: من با تعدادی از رزمندگان سوار بر نفربر به دل دشمن زدیم، تا بتوانیم راه را باز کنیم، که در این میان به اسارت دشمن درآمدم. در این نشست، ابوطالب ناهیدی که در عملیات کربلای ۵ به همراه آقای صادقی به اسارت دشمن درآمده بود، در مورد دوران اسارت گفت: بعضی مواقع شکنجه‌هایی اعمال می‌شد



که از گشته شدن و مرگ بدتر بود. وی افزود: ما جزو اسرایی بودیم که اصلاً نام ما در لیست سازمان صلیب سرخ جهانی نبود. به همین دلیل هم بود که ما نسبت به اسرای دیگر، دو ماه دیرتر آزاد شدیم. آزادی ما با پیگیری رئیس جمهور وقت (آیت‌اله هاشمی رفسنجانی) انجام گرفت. در ادامه این نشست، ابوطالب ناهیدی از چگونگی تدوین اثر خود با نام «از چالکی تا تکریت» گفت. این کتاب در این مراسم رونمایی و به حاضران معرفی شد.

